

عظمت نمادین حدود و موانع اجرایی آن؛ تأملی فلسفی و جامعه‌شناختی

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی^۱
سیدمحمدجواد ساداتی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۹/۰۴)

چکیده

در سیاست کیفری اسلام مجموعه‌ی متنوعی از مجازات‌ها یافت می‌شود که هر یک با منطقی خاص تشریح گردیده‌اند. قصاص را می‌توان کیفری بزه‌دیده‌محور دانست. تعزیرات مسیری برای اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها و نیز انطباق نظام کیفری با مقتضیات زمان و مکان است. در مقابل حدود را می‌توان مجازات‌هایی جرم‌محور تلقی نمود که در پی حراست از اخلاق و انسجام اجتماعی است. در اسلام، شدت کیفر گاه تابعی از میزان صدمه‌ی بزه به اخلاق اجتماعی است. از همین رو جرایم مستوجب حد، به‌عنوان شدیدترین گونه‌های تجاوز به ارزش‌های بنیادین اجتماع، با سخت‌ترین مجازات‌ها پاسخ داده می‌شوند. در سیاست کیفری اسلام نه تنها فرآیند اثباتی حدود بسیار پیچیده و دشوار بوده؛ بلکه موانع جدی نیز در مسیر اجرای این مجازات‌ها وجود دارد.

تعارض میان وضع مجازات‌های شدید و تاکید بر اهمیت اجرای آن‌ها از یک سو و تعیین فرآیند پیچیده‌ی اثبات جرم و نیز ایجاد مانع در مسیر اجرای مجازات از سوی دیگر با در نظر گرفتن ملاحظات فلسفی و جامعه‌شناختی و بررسی مصالح فردی و اجتماعی قابل توجیه است.

۱- نویسنده‌ی مسئول - استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد. Email: arjaafari@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

به نظر از یک سو شارع مجازات‌هایی شدید و البته نمادین وضع نموده که هم‌چون شمشیری برنده، تهدیدی مستمر، ارعاب‌کننده و بازدارنده برای مجرمین بالقوه باشد و از سوی دیگر نیز با لحاظ آثار سوء احتمالی تحمیل مجازات، از جمله کاهش اثر ارعابی آن‌ها به علت اجرای مکرر، موانعی بر سر راه اثبات و اجرای آن قرار داده است.

واژگان کلیدی: جرایم مستوجب حد، مجازات‌های حدی، سیاست کیفری، ارعاب، فلسفه مجازات.

مقدمه

شریعت اسلام با درک درستی از نیازها و مصالح انسان، زمینه‌های مشروعی را برای ارضای آنان فراهم آورده است، زیرا لجام گسیختگی در برآوردن حوایج انسان در نهایت تعدی و تجاوز به حقوق دیگر شهروندان را موجب خواهد شد. نظر به اهمیت حفظ ارزش‌ها در تحقق سعادت انسان و تداوم انسجام اجتماعی، نظام فکری اسلام اهمیت بسیاری برای آن‌ها قائل شده است. از همین رو هرگونه تجاوز به ارزش‌های اخلاقی که موجب تضعیف این، انسجام می‌گردد؛ با پاسخ‌های شدید کیفری مواجه می‌شود.

در سیاست کیفری اسلام متناسب با شدت تجاوز به ارزش‌های اجتماع، بر میزان شدت مجازات نیز افزوده می‌شود. بنابراین جرایم مستوجب حد که شدیدترین اشکال تجاوز به اخلاق، به‌عنوان مبنای انسجام اجتماعی، هستند؛ با سخت‌ترین کیفرها پاسخ داده می‌شوند. این منطق کیفری اسلام، انتقادات بسیاری را موجب شده است. بعضی با خشن دانستن و غیر انسانی برشمردن این مجازات‌ها، آن‌ها را قرون وسطایی خوانده‌اند (Gouda, ۲۰۱۲, p.۱۱). بعضی نیز بر این باورند که: «اجرای برخی از این حدود... حیثیت اجتماعی افراد مجرم را به کلی از بین می‌برد، طوری که در آینده نخواهند توانست کمر راست کنند تا چه رسد به این که خویشتن را اصلاح کرده و به جامعه بازگردند؟» (مکارم شیرازی، بی تا، ص ۱۴) و (پایگاه اطلاعاتی آیه‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۹۱).

با وجود انتقادات وارده بر این سیاست کیفری، به نظر می‌رسد؛ ملاحظات اجتماعی و کیفرشناسانه‌ی بسیاری در اجرای این مجازات‌ها نهفته است که تاکنون کم‌تر مورد تحقیق قرار گرفته است.

با توجه به آن چه گذشت در این پژوهش در پی آنیم تا با کاوشی در فلسفه و به‌ویژه جامعه‌شناسی کیفر، پاسخی برای این پرسش بیابیم که چرا شارع از سویی در مواجهه با مرتکبین این جرایم از سخت‌ترین واکنش‌های کیفری استفاده نموده و از سوی دیگر موانع بسیاری را بر سر راه اثبات و نیز اجرای این مجازات‌ها قرار داده است؛ به نحوی که گاه تصور می‌شود اجرای آن‌ها تعلیق به محال شده است؟

به این منظور، نخست معنای لغوی و اصطلاحی حدود و سپس فلسفه‌ی این مجازات‌ها را مورد کنکاش قرار می‌دهیم. پس از آن به بررسی موانع اثباتی و اجرایی حدود خواهیم پرداخت. در نهایت نیز برای رفع تعارض‌های ایجاد شده، حدود را از منظر جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی کیفر مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۲- معنای لغوی و اصطلاحی حدود

حدود جمع حد بوده و در لغت به معنای منع آمده است. «حد را حائل میان دو چیز و نهایت و کناره‌ی چیزی» (رامپوری، ۱۳۶۳، ص ۲۹۴) نیز دانسته‌اند که تعبیر دیگری از همان معنای نخست است، زیرا موجب فاصله و حائل میان دو چیز گشته و از اختلاط آن دو ممانعت به عمل می‌آورد. اطلاق حد بر کیفر نیز از آن روست که مجرم را منع کرده و موجب بازداشتن او و دیگران از ارتکاب رفتار مجرمانه می‌گردد (نجفی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۴).

شهید ثانی در *مسالک‌الافهام* می‌نویسند: «حد در لغت به معنای منع و جلوگیری کردن است و حد شرعی نیز از همین معنا گرفته شده، چون وسیله‌ای است برای جلوگیری از کاری که موجب آن است؛ از ترس گرفتار شدن به عقوبت آن» (ج ۲/۴۲۳). در *تحریرالروضه* نیز حد کیفری دانسته شده است که موجب رنج و تادیب فاعل گردیده و او را از ارتکاب رفتار مجرمانه باز می‌دارد» (کلاتر، بی تا، ص ۱۱).

گروهی از علمای اهل سنت نیز تبیینی مشابه از حدود ارائه داده‌اند. ایشان معتقدند تعبیر به منع از آن روست که «حدود سببی برای بازداشتن از ارتکاب جرایم و یا تکرار آن‌هاست» (الجزیری، بی تا، ص ۷).

در سیاست کیفری اسلام حدود در اصطلاح به مجازات‌های ثابت و غیرقابل تغییری اطلاق می‌گردد که به شمار خاصی از رفتارهای مجرمانه تعلق می‌گیرد. البته در خصوص قلمرو اجرای این مجازات‌ها که دارای کمیت و کیفیت کاملاً ثابت هستند؛ اختلاف نظر وجود دارد (معاونت آموزش قوه‌ی قضاییه، ۱۳۸۸، ص ۹۰). با وجود این اختلاف؛ مشهور فقهای امامیه شمار جرایم مستوجب حد را شامل هشت عنوان، بدین شرح دانسته‌اند: حد زنا، حد لواط، حد مساحقه، حد قوادی، حد قذف، حد مسکر، حد محارب، حد سرقت (همان).

از میان مذاهب اهل سنت؛ ابوحنیفه عناوین پنج‌گانه را برای حدود بر شمرده و لواط، مساحقه و قوادی را داخل در ملحقات زنا دانسته است. در مقابل؛ شافعی تعداد حدود را هفت عنوان دانسته است (عوده، ۱۳۷۳، ج ۱/۳۳۸).

۳- فلسفه‌ی وضع کیفرهای حدی

برای شناخت درست فلسفه‌ی حدود نخست نگاهی گذرا به دیدگاه‌های مختلف در خصوص فلسفه‌ی مجازات داشته و آن گاه با تکیه بر این مقدمات به بررسی مجازات‌های حدی می‌پردازیم.

در خصوص چیستی فلسفه‌ی کیفر دیدگاه‌های متعددی مطرح گردیده که هر یک از زاویه‌ای این مساله را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی بر این باورند که مجازات توانی برای ارتکاب رفتار مجرمانه است. در نگاه این فیلسوفان کیفری که سزاگرایان نامیده می‌شوند؛ همان گونه که پاداش پاسخی شایسته در برابر نیکی است؛ بدی و کژی را تنها می‌توان با تحمیل کیفر پاسخی در خور داد (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۰، الف/۱۲۲). از نگاه ایشان نظم اخلاقی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و با ارتکاب رفتار مجرمانه کیان اخلاق و اصول اخلاقی چون عدالت مخدوش گردیده است. بنابراین مجازات با تحمیل رنج و عذاب بر بزهکار؛ نظم مختل شده را

دوباره احیا می‌کند (پردل، ۱۳۷۳، ص ۱۸). با توجه به موارد پیشین می‌توان دریافت که کانون توجه سزاگرایان جرم ارتكابی بوده و پیامدهای حاصله از اجرای مجازات برای ایشان از اهمیت چندانی برخوردار نیست (جوان جعفری و ساداتی، پیشین، ب/۲).

در تقابل با دیدگاه سزاگرا می‌توان از نظریه‌های فلسفی دیگری یاد کرد که پیامدگرا بوده و نتایج حاصل از اجرای مجازات را دلیلی برای توجیه آن دانسته‌اند. نظریه‌ی بازدارندگی^۱ مجازات (ارعاب) و نظریه‌ی اصلاح بزه‌کار را می‌توان در این شمار دانست. ویژگی بارز نظریه‌های فوق آنست که در هیچ یک از آنها در پی سزادهی به رفتار مجرمانه‌ای که نظم اخلاقی را مختل نموده؛ نیستیم. بر عکس؛ آن چه اهمیت دارد این است که از اجرای مجازات پیامدهایی حاصل گردد (جانکی و آقایی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۲).

زیمرینگ از معتقدان به اندیشه‌ی بازدارندگی؛ این نظریه را این گونه تبیین می‌نماید: «بازدارندگی عبارت است از تهدیدهایی که ممکن است انگیزه‌های مجرمانه‌ی مجرمی را با تغییر در شیوه‌ی اندیشه‌اش از طریق تجسم دورنمای پیامدهای سوء تحقق آن انگیزه تقلیل دهد» (همان، ص ۳۴۳). او معتقد است؛ بسیاری از افرادی که قصد ارتكاب عمل مجرمانه دارند؛ از ارتكاب آن خودداری می‌نمایند؛ زیرا لذتی که از این طریق ممکن است کسب کنند؛ با بیم نتیجه‌ی ناگواری که مجازات قانونی به دنبال دارد منتفی و ختنی می‌شود (همان). در حقیقت بر اساس اندیشه‌ی بازدارندگی؛ قانون‌گذار با جرم‌انگاری رفتارهای مخرب و تعیین مجازات برای آنها نوعی ارعاب فردی و جمعی را مدنظر داشته و در واقع می‌خواهد هزینه‌های ارتكاب رفتار مجرمانه را افزایش دهد. بدین ترتیب مجازات به‌عنوان ابزاری برای پیش‌گیری از ارتكاب رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظریه‌ی اصلاح نوعی دیگر از اندیشه‌های پیامدگرا تلقی می‌گردد. معتقدان به این اندیشه بر این باورند که واکنش اجتماعی باید موجب احساس ندامت در بزه‌کار و سپس اصلاح و بازپروری او شود. از این پس او با کنترل مقاصد خویش، ارزش پایبندی به قوانین و مقررات را درمی‌یابد. قائلان به اندیشه‌ی دفاع اجتماعی عموماً مجازات را روشی برای اصلاح بزه‌کار تلقی

۱ - بازدارندگی در لغت به معنای منع کردن و جلوگیری کردن آمده است (معین، ۱۳۶۲، ج ۱/۴۵۴).

می‌کنند (قربان‌نیا، بی تا، ص ۴۲۲). البته در این منطق کیفری واکنش اجتماعی باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که اهداف فوق را محقق نماید.

سیاست کیفری اسلام مجموعه‌ی متنوعی از واکنش‌های کیفری را در برابر رفتار مجرمانه تجویز نموده است که هر یک با هدفی خاص وضع شده‌اند. در این مجموعه گاه مقصود تضمین حقوق بزه‌دیدگان بوده و به تعبیری با یک سیاست کیفری بزه‌دیده‌محور مواجهیم. کیفر قصاص را می‌توان در این شمار دانست، زیرا با وارد شدن بزه قتل عمد در عنوان حقوق الناس (خسروشاهی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵)؛ قصاص مسیری برای تحقق عدالت در برابر سلب حیات از نفس محترم محسوب گردیده است. در کنار این مجازات بزه‌دیده‌محور؛ می‌توان از عنوان تعزیرات نام برد. در این خصوص با تعیین معیار بنیادین (ارتکاب فعل حرام) (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۵)، اختیار جرم‌انگاری در این حوزه و تعیین کمیت و کیفیت مجازات‌ها بر عهده‌ی حاکم شرع گذارده شده تا بدین وسیله سیاست کیفری اسلام را با مقتضیات زمان و مکان منطبق نماید. این اختیار حاکم شرع؛ هم‌چنین زمینه‌ای را برای اجرای اصل فردی کردن مجازات‌ها و در نتیجه اصلاح و بازپروری بزه‌کاران فراهم آورده است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

در کنار گونه‌های پیش گفته، باید از مجازات‌های حدی نام برد که خصوصیات متفاوتی از کیفرهای قصاص و تعزیرات دارند. نظر به آن که کنکاش در خصوص چرایی حدود موضوع این پژوهش را به خود اختصاص داده است؛ در ادامه به تفصیل این واکنش کیفری را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

برای دستیابی به اهداف پژوهش، ابتدا لازم است تا ویژگی‌های بنیادین سیاست کیفری حدود را مطرح نماییم. نخستین ویژگی، محصور بودن جرایم مستوجب حد است. همان گونه که پیش‌تر نیز گذشت؛ با وجود اختلافی که در خصوص تعداد جرایم حدی وجود دارد؛ مشهور فقهای امامیه تعداد این جرایم را هشت عنوان دانسته‌اند (معاونت آموزش قوه‌ی قضاییه،

پیشین، ص ۹۰). فقهای اهل سنت نیز شمار حدود را با اندکی تفاوت، پنج یا هفت دانسته‌اند (عوده، پیشین، ۳۳۸).

ویژگی دیگر این مجازات‌ها ثابت بودن آنهاست (حسینی، پیشین، ص ۸۹). به تعبیر دیگر، شارع مقدس با تعیین کمیت و کیفیت و حتی روش اجرای حدود، نظامی از کیفرهای ثابت و غیرقابل تغییر را به وجود آورده است (در برابر هر جرم یک مجازات ثابت و غیرقابل تغییر). شدید بودن را نیز می‌توان دیگر خصوصیت این مجازات‌ها دانست. تمامی این کیفرها همراه با شدت بسیار برای مجرم بوده و رنج قابل توجهی را بر وی تحمیل می‌نماید.

قطعی بودن و حتمیت حدود را نیز باید بر شمار این شروط افزود. چنان که فقها در این باره معتقدند: «لا كفالة في حد، و لا شفاعه في اسقاطه، و لا تاخير مع الامكان» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶، ص ۳۶۲). البته باید توجه نمود که ویژگی قطعیت حدود با ثابت بودن آنها دو امر متفاوتند. قطعیت بدین معناست که تاخیر در حدود و شفاعت برای اسقاط آنها پذیرفته نیست. بنابراین پس از ارتکاب بزه مستوجب حد و اثبات آن، به هر نحو ممکن مجازات باید اجرا گردد. لیکن ثابت بودن به معنای تغییرناپذیری نوع مجازات است.

با توجه به روایت پیش گفته؛ شاخصه‌ی دیگر این مجازات‌ها، یعنی سرعت در اجرای حدود نیز آشکار می‌گردد. عبارت «و لا تاخير مع الامكان» دلالت بر همین مهم دارد. مقصود از سرعت در اجرای حدود این است که به مجرد اثبات بزه، مجازات باید اجرا شده و تعویق آن ممنوع است.

پس از بیان ویژگی‌های بنیادین حدود، می‌توان پژوهش را با طرح این پرسش ادامه داد که اصولاً فلسفه‌ی جرایم مستوجب حد چیست که شارع شمار آن را معین نموده و تجاوز به این حقوق را با تحمیل شدیدترین گونه‌های کیفر پاسخ داده است؟ در واقع آثار و پیامدهای این

۱ - گفتنی است تفاوت در تعداد حدود، عموماً به این خاطر است که برخی فقها جرایم لواط و مساحقه را به‌عنوان ملحقات زنا ذکر کرده و بدین ترتیب در تعداد حدود تفاوت به وجود آمده است. بنابراین اختلافی بنیادین در شمار جرایم مستوجب حد وجود ندارد.

جرائم چه هستند و ارتکاب آن‌ها چه حق و منفعتی را از بین می‌برد؟ کدام ارزش انسانی و اجتماعی در فرآیند ارتکاب این جرائم مورد تجاوز قرار می‌گیرد؟

اصولاً ارتکاب جرم به معنای تجاوز به ارزش‌ها و باورهایی است که اجتماع آن را محترم می‌شمارد. می‌توان قابلیت سرزنش اجتماعی را شاخصی مهم برای جرم‌انگاری یک رفتار تلقی نمود. در این صورت، شدت مجازات نیز تابعی از میزان سرزنشی است که نسبت به ارتکاب یک رفتار مجرمانه به وجود می‌آید. به تعبیر دیگر، به میزان تقدس هنجارهای نقض شده؛ هنجارهایی که به اندازه‌ی کافی فراگیر و عمیق بوده و تعیین کافی نیز داشته باشند؛ و نیز به میزان شدت ضربه‌ای که به این هنجارها وارد می‌آید؛ کیفر نیز توأم با شدت بیش‌تری خواهد بود (Breathnach, ۱۹۴۱, p. ۴۹).

نظر به اهمیت حیات اجتماع برای تحقق آرمان سعادت (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲/۲۱۱)، در سیاست کیفری اسلام توجهی ویژه به ارزش‌های بنیادین جامعه‌ی اسلامی شده است. در این سیاست، شدت مجازات تابعی از میزان صدمه‌ای است که رفتار مجرمانه به تمامیت اخلاقی و سلامت اجتماع وارد می‌آورد. بنابراین، همراه با شدت یافتن تجاوز و افزایش میزان ضرر، گونه‌های مجازات نیز شدیدتر می‌شوند. این فرآیند را با اندکی توجه می‌توان در خصوص جرائم مستوجب حد مشاهده نمود، زیرا این جرائم، در جوامع بسیاری، شدیدترین گونه‌های تجاوز به امنیت اجتماعی و اخلاقی هستند.

ارتکاب رفتار نامشروع جنسی نه تنها موجب گسترش فساد اخلاقی گردیده؛ بلکه موجبات تزلزل نظام خانواده، به‌عنوان هسته‌ی بنیادین جامعه را فراهم می‌آورد. از همین رو شارع مقدس برای پیش‌گیری از وقوع این جرائم، شدیدترین گونه‌ی کیفرهای جسمانی را تجویز نموده است. کیفر رجم که مرگ همراه با دردی جان‌کاه را بر مجرم تحمیل می‌کند؛ می‌تواند بزه‌کار را به‌عنوان موجودی حساب‌گر به تاملی جدی وادارد، زیرا بر اساس یافته‌های حقوق کیفری اقتصادی، هرگاه هزینه‌های تحمیل مجازات بیش از سودی باشد که مجرم در نتیجه‌ی بزه به دست می‌آورد؛ احتمالاً موجب پرهیز وی از ارتکاب جرم می‌گردد. مجازات تازیانه نیز که در خصوص روابط افراد غیرمحسن اعمال می‌گردد؛ تابعی از همین معادله است. یعنی در این

مورد، ضمن این که به نیازهای جنسی مجرم به‌عنوان انگیزه‌ای قوی و موثر در وقوع بزه توجه شده است؛ به نسبت کاهش میزان صدمه‌ای که عمل او به ارزش‌های بنیادین اجتماعی وارد می‌آورد؛ و نیز کاهش قبح اخلاقی و اجتماعی آن، میزان مجازات نیز کاهش می‌یابد.

در سیاست کیفری اسلام، واکنش‌های کیفری متعددی برای تجاوز به حق مالکیت تجویز گردیده است. برخی از اشکال این جرایم تنها موجب تعرض به حق مالکیت اشخاص می‌گردد، لیکن برخی دیگر نه تنها حق مالکیت را نقض کرده؛ بلکه حقوق بنیادین دیگر را نیز مورد تجاوز قرار می‌دهند. سرقت مستوجب حد، که یکی از شدیدترین نوع واکنش‌های کیفری را به همراه دارد؛ در این شمار جای دارد. ارتکاب سرقت همراه با هتک حرز که عموماً توأمان با نقض حریم خصوصی افراد است (به این علت که عموماً هتک حرز، موجب نقض حریم خصوصی می‌گردد)، از سویی نقض حق مالکیت محسوب گردیده و از دیگر سو حق آزادی و تمامی حقوق بنیادینی که در حریم خصوصی شهروندان تعریف می‌گردد؛ از جمله امنیت و آرامش عمومی، را مورد تجاوز قرار می‌دهد. بنابراین بسیار بدیهی است که به علت شدید بودن این رفتار مجرمانه، واکنش در برابر آن نیز شدید باشد. از آن گذشته؛ ملاحظات جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی قابل توجهی نیز در این سیاست کیفری نهفته است. در سرقت مستوجب حد، برای تحمیل کیفر قطع عضو، الگوی مسئولیت بزه‌دیده مورد استفاده قرار گرفته است. به تعبیر دیگر، شارع مقدس مسئولیت حراست از اموال را بر عهده‌ی مالکان آن قرار داده و تنها در صورتی که بزه‌دیده، به‌درستی از اموال خود حفاظت نموده باشد (مال را در حرز قرار داده باشد)؛ از حمایت کیفری کامل برخوردار بوده و می‌توان سارق را محکوم به قطع عضو نمود. در این شرایط با بزه‌کار خطرناکی مواجهیم که تمامی تدابیر اندیشیده توسط جامعه و بزه‌دیده را نقض نموده است.

تجاوز به امنیت اجتماعی و آسایش عمومی نیز رفتار مجرمانه‌ی دیگری است که در سیاست کیفری اسلام، شدیدترین گونه‌ی آن با عنوان محاربه و افساد فی الارض، به‌عنوان یک جرم مستوجب حد شناخته شده است. بزه‌کار در جریان ارتکاب این جرم، دست به اسلحه برده و موجب سلب امنیت و آسایش عمومی می‌گردد (مشکینی، ۱۴۱۰، ج ۲/۴۲۴). بنابراین بزه‌دیده این

جرم چیزی فراتر از حکومت سیاسی بوده و مجموعه‌ی نظام اجتماعی را شامل می‌گردد. در حقیقت بزه‌کار با رفتار خویش موجب رعب و هراس در شهروندان شده و نظم و انسجام اجتماعی را مورد تجاوز قرار می‌دهد. اعتبار نظام اجتماعی و نیز اهمیت حراست از آن موجب می‌شود تا بزه محاربه با کیفرهای شدید پاسخ داده شود.

از مجموع آن چه مطرح گردید؛ می‌توان دریافت که جرایم مستوجب حد شدیدترین انواع بزه‌کاری بوده و از همین رو نیز با تحمیل مجازاتی سخت پاسخ داده می‌شوند. این جرایم عموماً، عمیق‌ترین و البته مقدس‌ترین ارزش‌های اجتماعی را نقض نموده و صدمه‌ای جبران‌ناپذیر به اجتماع وارد می‌آورند. سیاست کیفری با جرم‌انگاری شرب خمر، در راستای حفظ قوای عقلانی انسان سیاست‌گذاری نموده است؛ با تعیین مجازات برای قذف، تلاش کرده تا از ترور شخصیت افراد جلوگیری کرده و مانع ایجاد و گسترش فساد گردد (حرعاملی، بی تا، ج ۴۳۲/۱۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۸، ص ۸۵۴)؛ و هم‌چنین با اعلام شدیدترین مجازات‌ها در برابر ارتکاب زنا، به دنبال حراست از نظام خانوادگی، اخلاق اجتماعی و نسل و نسب انسان بوده است.

با توجه به دلایل فوق؛ در اسلام بر اهمیت اجرای حد تاکید بسیاری شده است. پیامبر اکرم بی توجهی به اقامه‌ی حدود الهی را موجب هلاکت و نابودی برخی اقوام دانسته‌اند (قربان‌نیا، پیشین، ص ۳۴). فقهای امامیه نیز با استناد به روایات، سودمندی حاصل از اجرای حدود در جامعه را بیش از منافع چهل روز بارندگی دانسته‌اند (مجلسی، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳؛ شیرازی، بی تا، ص ۷؛ مشکینی، پیشین، ص ۴۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۹). شیخ طوسی در رسائل این روایت را نقل فرموده‌اند: «و عن عبدالله الرحمن الحجاج عن ابي ابراهيم عليه السلام في قول الله عزوجل (يحيى الارض بعد موتها) قال ليس يحييها بالمطر و لكن يبعث الله رجالا فيحيون العدل، فتحى الارض لاهياء الحدود، و لاقامه الحد انفع فى الارض من المطر اربعين صباحا» (شیخ طوسی، الف / ۳۹).

از این روایت استنباط می‌گردد که اقامه‌ی حدود الهی موجب برپایی عدالت در اجتماع بوده و اجرای عدالت فساد و نابودی را از جامعه‌ی بشری ریشه‌کن می‌نماید. در روایتی از پیامبر

اکرم اجرای حدود حتی سودمندتر از شصت سال عبادت دانسته شده است (قدرت‌الله انصاری، محمدجواد انصاری، بهشتی و طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۵۳).^۱

علمای اهل سنت نیز در این خصوص دیدگاه‌های مشابهی ارائه نموده‌اند. برخی از ایشان معتقدند: «اسلام با درک درستی از نیازها و حوایج انسان... مسیر ارضای آن‌ها را معین نموده و از طغیان آن‌ها جلوگیری می‌نماید...» (الفتوری، ۱۹۹۸، ص ۱۷۰). ایشان در ادامه می‌افزایند که طغیان نیازها و ارضای لجام‌گسیخته‌ی آن‌ها موجب سقوط اجتماع و تعرض به عدالت گردیده و از همین روست که حدود ابزاری برای کنترل ارضای نیازها و حراست از نظام اجتماعی است (همان، ص ۱۷۱).

برخی دیگر مفهوم فوق را به گونه‌ای متفاوت مطرح نموده‌اند. از نگاه اینان حدود برای حفاظت از مصالح انسان (هم‌چون نفس، عقل، حیثیت، نسل و... همان گونه که پیش‌تر گذشت) تشریح گردیده است (عباده، ۲۰۱۰، صص ۳-۴).

علاوه بر آن چه در مورد اهمیت حدود گفته شد؛ باید توجه نمود که سیاست کیفری اسلام در خصوص جرایم مستوجب حد دارای پیچیدگی خاصی بوده که تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اندیشه‌های جرم‌شناختی که در فرآیند اثبات حدود به کاربرده شده است؛ و نیز امکان سقوط مجازات در صورت اصلاح بزه‌کار (توبه و ندامت وی که البته دارای روش اثباتی ویژه‌ای است) در شمار این پیچیدگی‌ها قرار دارد که در ادامه‌ی پژوهش به بررسی آن خواهیم پرداخت. لیکن آن چه از منطق کیفری نهفته در حدود می‌توان استنباط نمود این است که این سیاست کیفری بیش از آن که بزه‌دیده‌محور بوده و یا بر محوریت مصالح بزه‌کار استوار گردیده باشد؛ سیاستی جرم‌محور است^۲ که با به‌کارگیری شدت عمل در

۱ - شیخ صدوق نیز در «من لا یحضر الفقیه» روایتی از امیرالمؤمنین (ع) را بدین شرح نقل کرده‌اند: «... بارالها تو خود بر رسولت صلوات الله علیه و آله وحی کرده‌ای که ای محمد هر کس حدی از حدود مرا تعطیل کند؛ پس بی شک با من ستیز کرده و از فرمان من سرپیچیده و در برابر قدرت من ایستاده...» (صدوق، ۱۳۶۸، ص ۳۵۶).

۲ - قابل توجه آن که بزه‌دیده‌ی جرایم مستوجب حد، عموماً جامعه و به تعبیری بزه‌دیده‌ی عام است.

مواجهه با شدیدترین اشکال تجاوز به ارزش‌های اجتماعی؛ در پی پیش‌گیری و امحای این جرایم است.

۴- شرایط اثبات و اجرای حدود

بر اساس آن چه پیش‌تر گذشت؛ جرایم مستوجب حد شدیدترین نوع تجاوز به مقدس‌ترین ارزش‌های اجتماعی تلقی می‌شوند. از همین روست که در سیاست کیفری اسلام مجازات‌های حدی از شدت بسیاری برخوردارند. سلب حیات بزه‌کار از طریق سنگسار وی به واسطه‌ی ارتکاب زنای محصنه، قطع دست در نتیجه‌ی سرقت مستوجب حد، اعدام فرد محارب و ... از این نمونه‌اند. به رغم این شدت عمل در مقابله با گونه‌های شدید تجاوز؛ مسیر خاص اثبات این جرایم (موانع اثباتی) و نیز عواملی که موجب سقوط مجازات می‌گردند؛ نشان از نگرش خاص اسلام در خصوص حدود دارد. برای دستیابی به درکی صحیح از این نگرش ابتدا به بررسی روش اثباتی این جرایم پرداخته و سپس موانعی که موجب عدم اجرای مجازات می‌گردند را بررسی می‌کنیم.

نخست این که جرایم مستوجب حد اصولاً دارای نصاب اثباتی خاص بوده و حتی برخی فقها معتقدند که روش اثبات نیز در این جرایم دارای موضوعیت است. برای درک بهتر این مهم به بررسی روش اثبات یکی از جرایم حدی می‌پردازیم. در سیاست کیفری اسلام بزه زنا با چهارمرتبۀ اقرار ثابت می‌گردد و در این خصوص اقرارکننده باید بالغ، عاقل، مختار و قاصد باشد^۱ (شهید اول، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). اقرار نیز لازم است تا «صریح یا حداقل ظاهر باشد؛ یعنی خلاف ظاهرش به احتمال عقلایی محتمل نباشد» (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴/۲، ص ۴۱۴). هم‌چنین به اعتقاد فقهای امامیه در صورتی که بزه‌کار اقرار به جرمی مستوجب حد نموده؛ لیکن عنوان بزه را معین نکند؛ حاکم شرع نمی‌تواند وی را تکلیف به ادای توضیح کند و حد نیز از وی ساقط می‌گردد (حرعاملی، پیشین، ص ۳۱۸).

۱ - برخی فقهای امامیه چون ابن ابی‌عقیل عمانی برخلاف اندیشه‌ی مشهور امامیه، اشتراط تعدد اقرار را نفی نموده‌اند (امینی و دهکلاتی، بی تا، ص ۲۱۳).

دوم این که؛ در کنار این سخت‌گیری در پذیرش اقرار، قواعدی دیگر نیز در این زمینه تکلیف شده‌اند که بیش از پیش اثبات زنا از طریق اقرار را دشوار می‌کنند. توضیح این که حتی برخی فقهای امامیه تعدد مجالس اقرار را شرط نموده و چهار مرتبه اقرار را در یک مجلس فاقد اعتبار دانسته‌اند (علامه حلی، بی تا، ج ۲/ ۲۲؛ خمینی، همان). هم‌چنین به رغم قاعده‌ی مشهور «منع انکار پس از اقرار»، در زنا‌ی مستوجب رجم، انکار مقرر موجب سقوط حد رجم از وی می‌گردد (خمینی، همان).

هم‌چنین؛ در روایات و کتب فقهی نیز شواهدی دال بر این مهم وجود دارد که پیامبر و امیرالمومنین علی (ع) در مواجهه با زناکارانی که نزد ایشان اقرار به جرم خویش نمودند؛ در پی آن بوده‌اند تا مجرم را از تکمیل نصاب اقرار منصرف نمایند. در این خصوص می‌توان به یکی از قضاوت‌های امام علی (ع) در مورد زنی حامله اشاره نمود که در نزد امیرالمومنین اقرار به زنا کرده بود. حضرت به او فرمودند: «آیا شوهر داشتی؟ گفت: آری. فرمود: وقتی زنا کردی شوهرت در سفر بود یا حضر؟ گفت: در حضر بود. فرمود: برو و پس از وضع حمل بازگرد. زن رفت و پس از زاییدن بازگشت... و درخواست کرد که با اجرای حد او را پاک گردانند. امام فرمود: از چه چیز تو را پاک گردانم؟ گفت: من زنا کرده‌ام. حضرت دوباره پرسش‌های خود را مطرح نموده و پس از اصرار زن به اقرار، فرمودند تا آن زن برود و دو سال فرزند خود را شیر بدهد» (فیض، ص ۴۰۲). این جریان دو مرتبه‌ی دیگر نیز تکرار شد و در نهایت بزه‌کار چهار مرتبه اقرار به زنا نمود.

امیرالمومنین هم‌چنین در خصوص مردی که چهار مرتبه اقرار به زنا کرد؛ فرمودند: «برای مرد چه زشت است که پاره‌ای از این گناهان زشت را مرتکب می‌شود. و آن گناه (با اقرار) در میان مردم، خود را رسوا می‌کند. او چرا در خانه‌ی خود توبه نکرد؟ سوگند به خدای تعالی که توبه‌ی او بین خود و خدایش، با فضیلت‌تر است از این که حد بر او جاری گردد» (همان، ص ۴۰۳).

علاوه بر اقرار، با شهادت چهار انسان عادل نیز می‌توان بزه زنا را اثبات نمود. با وجود این شروط لازم برای صحت شهادت، هم‌چون اقرار بزه‌کار، در عمل اثبات زنا را بسیار سخت

کرده است. از سویی شهادت مطلق به زنا پذیرفته نبوده و شهود ناگزیرند کیفیت زنا را تصریح نمایند، به نحوی که بگویند: دخول را هم‌چون ورود میل در سرمه‌دان دیدیم (گرجی، ۱۳۸۵، ص ۲۰؛ صدر، ۱۴۱۸، ص ۲۵۵). در غیر این صورت شهود محکوم به حد قذف شده و تازیانه می‌خورند. از آن گذشته، اتفاق آنان بر یک فعل در یک زمان و مکان واحد الزامی است. هم‌چنین خصوصیت زنا نیز نباید متفاوت باشد. بنابراین اگر برخی شهادت به زنا به عنف داده و برخی به رضایت هر دو طرف گواهی دهند؛ این شهادت موجب اثبات زنا نخواهد بود (گرجی، پیشین، ص ۲۱). فراتر آن که؛ شهود مکلفند در یک زمان واحد (البته به صورت انفرادی) ادای شهادت نمایند و در صورتی که برخی بر دیگران مقدم شوند؛ نه تنها بزه اثبات نشده؛ بلکه شهود نیز محکوم به حد قذف می‌شوند (خمینی، پیشین، ص ۴۱۶).

با اندکی توجه می‌توان دریافت که در سیاست کیفری اسلام تنها به شهادت کامل و عاری از هرگونه شبهه اهمیت داده شده و در صورت بروز کم‌ترین تردید در صحت شهادت، گواهی شهود فاقد اعتبار تلقی می‌گردد.

آنچه درباره روش اثبات زنا گذشت؛^۱ در خصوص سایر جرایم مستوجب حد (البته با مقداری تفاوت در نصاب اقرار و شهادت) نیز جاری است (محمدی/۱۳۷۴/۵۵) که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌نمایم.

آن چه گذشت؛ موانعی بود که در عمل اثبات حدود را بسیار دشوار می‌نمود. در کنار این موانع اثباتی، باید از موانع اجرایی یاد کرد که حتی در شرایط اثبات بزه نیز، اجرای مجازات را غیرممکن می‌سازند. از جمله این موانع، ایجاد شبهه و اعمال قاعده‌ی دراء می‌باشد. بدین معنا که «هر گاه مکلف از روی جهل به حکم یا موضوع مرتکب جرمی بشود؛ شک و شبهه در اصل حکم یا موضوع موجب دفع حد از او می‌شود» (قله‌ای خویی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲). بنابراین مکلفی که از حکم حرمت شرب خمر مطلع نبوده و یا مشروب را نوشیدنی حلال پندارد؛ فردی زناکار که ادعای اکراه نماید (در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد)؛ مردی که در

۱ - بر اساس رای مشهور فقهای امامیه، علم قاضی مسیر اثباتی دیگری است. با این وجود، این دلیل نیز دارای شروط خاصی می‌باشد. از آن جمله که علم قاضی باید مستند به ادراکات حسی بوده و صرفاً مبتنی بر دریافت‌های حدسی نباشد. هم‌چنین وی مکلف به بیان دلایل برای حکم خویش می‌باشد (زراعت، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

فراش خود زنی را بیابد و به تصور این که همسر اوست با وی نزدیکی نماید؛ فردی که کالایی را از منزلی خارج نموده و سپس ادعا نماید که صاحب مال آن را به او بخشیده و حتی صاحب مال نیز این گفته را رد نماید (ایجاد شبهه برای حاکم)؛ در تمامی این موارد حد به واسطه‌ی شبهه ساقط می‌گردد (همان، ص ۱۵۸). گفتنی است موارد اجرای قاعده‌ی دراء محدود به موارد پیشین نبوده و هرگونه تردید در فرآیند اثبات و اجرا را شامل می‌گردد. فقها در این خصوص معتقدند: « نظر به این که بنای حدود بر مسامحه قرار گرفته؛ تلاش بر آن است که به واسطه‌ی کوچک‌ترین شبهه حد ساقط شود^۱» (مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۷).

توبه نیز از دیگر موارد ساقط‌کننده‌ی حدود است. در سیاست کیفری اسلام این اجازه به بزه‌کار داده شده تا پیش از اثبات بزه با انجام توبه و اصلاح رفتار خویش؛ از تحمل مجازات رهایی یابد. «از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام سوال شد آیا مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده است، و کسی هم بر آن‌ها آگاهی نیافته و دستگیر هم نشده است، می‌تواند توبه کرده و اصلاح شود. امام (ع) پاسخ دادند: هرگاه اصلاح شود و از وی امر و فعل زیبا دیده شود، بر او حد اقامه نمی‌شود» (شیری، ۱۳۷۳، ص ۸۱).

۵- نتایج حاصله از مباحث پیشین

همان‌گونه که پیش‌تر گذشت جرایم مستوجب حد بیش‌ترین آسیب را به اجتماع وارد آورده و از همین روست که شدیدترین کیفرها برای مقابله با این جرایم تجویز شده است. فراتر آن که در شریعت اسلام، سودمندی حاصل از اجرای حدود حتی بیش از چهل شبانه روز بارتدگی دانسته شده است (شیرازی، پیشین، ص ۷). با وجود این، مسیر بسیار سخت اثبات این جرایم و نیز عوامل متعددی که موجب سقوط مجازات می‌گردد؛ این ابهام را موجب می‌شود که اراده‌ای جدی برای اجرای حدود وجود ندارد.

به رغم ابهام پیش‌گفته، کنکاش در ملاحظات جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی حدود، این مهم را آشکار می‌نماید که هدف از تشریح این واکنش کیفری، الزاما با اجرای مجازات محقق

۱ - «... فیسعی ان تدرا الحدود بادنئ شبهه؛ للبناء علی المسامحه».

نگردیده و شارع نه تنها از تجویز کیفرهای حدی، دارای هدفی خاص بوده؛ بلکه از عدم اجرای آن نیز مقصود خاصی را دنبال می‌نماید.

به عبارت دیگر؛ در سیاست کیفری اسلام با تعیین دردآورترین و شدیدترین گونه‌های مجازات برای این جرایم، تلاش بر آن بوده است تا از یک سو بر اهمیت ارزش‌های بنیادین اجتماع تاکید شود و از سوی دیگر هزینه‌های ارتکاب جرم (در ذهن مجرمین بالقوه) افزایش یابد (Peters, ۲۰۰۵, p.۵۳). در این حالت ممکن است که بزه‌کار با محاسبه‌ی سود اندک حاصل از جرم در مقایسه با زیان بسیار ناشی از آن، از ارتکاب بزه خودداری نماید. بنابراین سیاست کیفری ارباب، اصولاً ارتباطی با اجرای حتمی مجازات نداشته و این مقصود تا حدود بسیاری با جرم‌انگاری صورت گرفته در حقوق کیفری اسلام محقق می‌شود (هر چند که در موارد خاص و با جمع تمامی شرایط و همچنین فقدان همه‌ی موانع، در اجرای حدود کوچک‌ترین تردیدی وجود ندارد). در این شرایط، ترس از مجازات را می‌توان به مثابه شمشیری آخته و آماده پنداشت که جامعه و شهروندانی که گرایش به ارتکاب بزه دارند؛ هر لحظه باید انتظار فرود آمدن آن را داشته باشند. هر چند این شمشیر برنده بسیار سخت و به ندرت فرود می‌آید.

حتی در مواردی که برخی از بزه‌کاران با نادیده انگاشتن هزینه‌های ناشی از تجاوز به اجتماع، مرتکب جرایم مستوجب حد می‌گردند؛ شارع مقدس هم‌چنان به دنبال پرهیز از تحمیل مجازات بر بزه‌کار و ایجاد زمینه‌ای برای اصلاح و توبه‌ی وی است. سخت‌گیری در اثبات مجازات فرصتی را برای بزه‌کار پدید می‌آورد تا خویش را اصلاح نموده و از تحمل سخت‌ترین مجازات‌ها رهایی یابد. آن چه از مباحث پیشین استنباط می‌شود این است که منطق کیفری اسلام سیاست اربابی خود را نخست برای پیش‌گیری از ارتکاب جرم به کار می‌بندد. لیکن در صورتی که بزه محقق شود؛ این سیاست اربابی به‌عنوان ابزاری در خدمت اصلاح مجرم قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر؛ با نمایش عظمت مجازات و رنج حاصل از آن (و نه الزاماً اجرای کیفر) تلاش می‌گردد تا مجرم از کرده‌ی خود پشیمان شده و توبه نماید.

در صورت عدم اصلاح بزه‌کار و اثبات بزه نیز در شرایطی خاص هم‌چنان مسیر برای ندامت و سقوط مجازات مهیاست. در این حالت برخلاف توبه پیش از اثبات؛ سقوط مجازات قطعی نبوده و مجرم تا حدود بسیاری اجرای مجازات را نزدیک می‌بیند. بزه‌کاری که نزد حاکم اقرار به جرم نموده از این اختیار برخوردار است که از ولی امر تقاضای عفو نماید و ایشان نیز در اعطای عفو و یا صرف نظر کردن از آن مختار است (خمینی، پیشین، ص ۴۱۷). ولی امر با توجه به اقرار مجرم، امکان اصلاح و عدم اصلاح وی را بررسی نموده و با در نظر داشتن مصلحت اجتماع حکم می‌نماید؛ زیرا اقرار به بزه، خود می‌تواند نشانه‌ای دال بر ندامت و توبه تلقی گردد.

با توجه به فرآیند پیش گفته می‌توان دریافت که شارع مقدس در خصوص حدود از یک سیاست ارعابی مرحله‌ای و طبقه‌بندی شده بهره برده است، زیرا در گام نخست نمایش عظمت مجازات و تهدید به اجرای آن مسیری برای پیش‌گیری از بزه بوده و در مرحله‌ی بعد نیز با تمسک به شدت آن، بزه‌کار را به سوی توبه و اصلاح اعمال خویش سوق می‌دهد. بنابراین اهداف بازدارندگی در سایه‌ی روش‌های ارعابی پیش گفته؛ با ظرافت خاصی در این سیاست کیفری گنجانده شده است. تأکید بر شدت و حدت مجازات، اهداف ارعابی را تعقیب نموده و انعطاف‌پذیری در اجرا و یا سقوط کیفر نیز مسیری برای اصلاح و توبه‌ی بزه‌کار می‌باشد.

با دقت نظر در فرآیند فوق، کیفر حدود را می‌توان به شمشیری برنده و البته نمادین (تهدید شدید بزه‌کار به مجازاتی که بسیار سخت و در موارد بسیار محدود اجرا می‌شود) تشبیه نمود که در راستای ارعاب و بازدارندگی از جرایم مستوجب حد و سپس ایجاد توبه و پشیمانی در صورت ارتکاب بزه؛ به کار برده می‌شود.

اهمیت تحلیل فوق از آن روست که عموماً، تهدید به مجازات موثرتر از اجرای آن است. ترس از رسوایی و از دست دادن جایگاه اجتماعی بیش از پیش بر اثر ارعابی مجازات می‌افزاید. از آن گذشته، نقض ارزش‌های بنیادین اجتماع (ارزش‌هایی که از تقدس بیش‌تری برخوردارند)؛ واکنش اجتماعی شدیدتری را برانگیخته و در نتیجه موجب رسوایی و نیز اختلال بیش‌تری در جایگاه اجتماعی بزه‌کار می‌گردد. از همین رو با توجه به این که جرایم

مستوجب حد، تجاوز به عمیق‌ترین باورهای جامعه محسوب می‌شوند؛ شهروندان نیز برخورد سختی با مرتکبین این جرایم خواهند داشت.

در خصوص این تحلیل باید اذعان داشت که در باور برخی از جامعه‌شناسان کیفری، مجازات الزاما به معنای تحمیل عملی رنج و مشقت بر بزه‌کاران نیست. برای مثال، از نگاه دورکهایم مجازات زبانی نمادین است که جامعه از طریق آن به بزه‌کاران پیام می‌دهد. مجازات دارای معنایی اجتماعی است که کارکرد نهایی آن تقویت و تحکیم اقتدار اخلاق جامعه و انتقال و آموزش پیام‌های اخلاقی است. در چنین شرایطی به تعبیر دورکهایم، کیفر تا زمانی توجیه دارد که اعمال آن برای انجام چنین رسالتی ضرورت داشته باشد (Luckes, ۱۳۰ p. Steven, Scull Andrew, ۱۹۸۳). در نگاه او تهدید به مجازات بسیار کارآتر از خود مجازات است و کیفر پس از اجرا حداقل بخشی از تاثیر خود را از دست می‌دهد (Durkheim, ۱۹۸۴, p. ۱۴۲). بنابراین از نظرگاه متخصصان جامعه‌شناسی کیفری، مجازات باید در صورت ضرورت و تنها به‌عنوان آخرین راه مورد استفاده قرار گیرد. این مساله به‌ویژه در خصوص مجازات‌های شدید مصداق بیش‌تری دارد، زیرا اثر ارعابی آن‌ها قبل از اجرا بیش از اثر ارعابی آن پس از اجراست. گویا مجازات شبیه به یک منع انرژی است که هر چه بیش‌تر اجرا شود؛ بیش‌تر تخلیه شده و اثر بازدارندگی خود را نیز بیش‌تر از دست می‌دهد. زندان تا زمانی هراس‌آور است که بزه‌کار سختی آن را تجربه نکرده است. بر عکس؛ به هر میزان که تجربه‌ی او در تحمل زندان بیش‌تر شود؛ هراس او نیز از حبس مجدد کم‌تر خواهد شد (selected writing. Emil Durkheim, ۱۹۷۲). (Translated and with introduction by Anthony).

Giddens) از آن گذشته؛ عموماً ترس از رسوایی و عدم پذیرش از سوی اجتماع، افراد را از ارتکاب جرایم باز می‌دارد. با وجود این در صورت اجرای مجازات، از آن پس اثر ارعابی آن نیز تا حدود بسیاری خنثی می‌گردد، زیرا بزه‌کار پیش از این با تحمل ننگ مجازات تمامی سرمایه‌ها و جایگاه اجتماعی خویش را از دست رفته می‌یابد.

از حیث بازدارندگی عام نیز تحلیلی مشابه قابل طرح است. هر چه جامعه کم‌تر شاهد اجرای مجازات باشد؛ نسبت به آن هراس بیش‌تری خواهد داشت. البته باید توجه نمود که

مقصود از این گفته نفی اثر بازدارندگی مجازات‌ها به صرف اجرای علنی آن نیست، بلکه بر عکس؛ با اجرای عمومی مجازات، جامعه نیز دچار ارباب خواهد گردید. با وجود این در صورتی که جامعه به اجرای مکرر یک مجازات در ملا عام عادت نمود؛ اندک اندک حساسیت خود را نسبت به آن مجازات از دست خواهد داد.

بنابراین تهدید به مجازات جنبه‌ی نمادین یافته و به مثابه شمشیری برنده و سمبلی از عظمت عدالت کیفری، همواره آماده‌ی فرود آمدن خواهد بود. با تمسک به این شیوه است که حدود از سوی دارای کارکرد آموزشی بوده و به تعبیری ارزش‌های مورد حمایت جامعه و نیز میزان تقدس آن‌ها را گوشزد می‌نماید و از سوی دیگر نیز تهدید و اربابی سخت و همیشگی برای افرادی تلقی می‌شود که در فکر ارتکاب جرایم مستوجب حداند. فراتر این که، عظمت افسانه‌ای حدود نیز مرهون موارد اندک اجرای آن بوده است. در غیر این صورت، به موازات افزایش میزان اجرای حدود، تاثیرگذاری اربابی آن نیز کاهش می‌یافت. این تلقی، عملاً حدود را مبدل به اسلحه‌ای پنهان و بسیار موثر در زرادخانه‌ی عدالت کیفری نموده است که بیش‌تر خصوصیت بازدارندگی داشته و به علت هزینه‌های بسیار بهره‌گیری از آن، تنها در موارد بسیار محدود و ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرد^۱.

با گذار از این سیاست اربابی، تحمیل مجازات‌های سخت حدود مخصوص به مواردی ویژه است که یک بزه‌کار با بی‌توجهی به حقوق دیگر شهروندان در جامعه مرتکب جرمی سنگین شده و در عین حال با از دست دادن تمامی فرصت‌های اصلاحی و بی‌توجهی به تمامی تهدیدهای قانون، میزان بالای خطرناکی و نیز خوی اصلاح‌ناپذیر خود را به نمایش گذارده است. در چنین شرایطی است که سیاست ارباب و سزادهی برای ترمیم اجتماعی توامان

۱ - از یک زاویه، اثر بازدارندگی مجازات‌های شدید حدی را می‌توان با بازدارندگی ناشی از بمب اتم در جهان مدرن مقایسه نمود. این سلاح بسیار پر قدرت، بدون آن که دولت‌ها در جنگ‌های متعارف برنامه‌ای برای استفاده کردن از آن داشته باشند؛ نمادی از اقتدار یک حکومت است. تهدید حاصل از بمب اتم تا زمانی که استفاده نشده است می‌تواند کارآیی داشته باشد. بنابراین، بمب اتم، سلاحی برای استفاده نشدن است، زیرا کاربرد آن نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی نخواهد داشت. با چنین تمثیلی می‌توان حدود را نیز کیفرهایی برای اجرا نشدن دانست.

می‌گردد.^۱ پیش‌تر نیز تاکید نمودیم که فقها در این خصوص معتقدند: «لا كفاله فی حد، و لا شفاعه فی اسقاطه، و لا تاخیر مع الامکان» (مقدس اردبیلی، پیشین، ص ۳۶۲). به این معنا که در این شرایط کفالت و شفاعت برای سقوط حد و حتی تاخیر در اجرای آن مجاز نبوده و در صورت نبودن مانعی برای اجرا، مجازات بدون فوت زمان باید اجرا گردد. بنابراین اجرای مجازات در موارد بسیار محدود، نمادی از اهمیت ارزش‌های بنیادین در نگاه شارع دارد. در حقیقت با به‌کارگیری واکنش شدید کیفری در مواجهه با این جرایم، عدالت کیفری از یک سو بزه‌کار را به سختی مجازات نموده و از سوی دیگر نیز هشدار بسیار جدی به دیگر بزه‌کاران بالقوه داده است.^۲

علاوه بر آن چه گذشت؛ در مواردی خاص و حتی در صورت ارتکاب رفتار مجرمانه نیز تهدید به مجازات بر تحمیل حدود، ترجیح داده شده است. در سیاست کیفری اسلام حالتی ویژه برای جرم زنای مستوجب رجم در نظر گرفته شده است. از آن جا که کیفر رجم در زمره‌ی سخت‌ترین حدود بوده و دردی جانکاه و منتهی به مرگ را به مجرم تحمیل می‌نماید (به تعبیر دیگر، به علت هزینه‌های بالای ناشی از تحمیل کیفر به مجرم)؛ در شرایطی خاص امکان سقوط مجازات وجود دارد. در صورتی که زنای محصنه با اقرار بزه‌کار ثابت گردیده باشد؛ چنان‌چه وی از گودال اجرای رجم فرار کند؛ نمی‌توان او را بازگرداند و دوباره حد را بر وی اجرا نمود (خمینی، پیشین، ص ۴۲۰). ملاحظات قابل توجهی در این حکم نهفته است.

۱ - به علت سخت‌گیری در روش‌های اثباتی و نیز فراوانی عللی که موجب سقوط مجازات می‌گردد؛ در دوران معاصر نیز هم‌چون تاریخ صدر اسلام موارد اجرای حدود بسیار محدود بوده است. به‌عنوان مثال با رجوع به کتب معتبر امامیه و اهل سنت می‌توان دریافت که کیفر رجم در صدر اسلام تنها در خصوص افراد انگشت شماری اجرا شده که تعداد این افراد نیز با رجوع به این منابع قابل شمارش است.

در دوران معاصر و به‌ویژه از زمان حاکمیت احکام اسلام بر نظام حقوقی ایران نیز حد رجم در موارد بسیار محدودی اجرا گردیده است (پایگاه اطلاعاتی ۲۰۱۲/Wikipedia).

۲ - گارلند؛ جامعه‌شناس کیفری برجسته‌ی معاصر، در خصوص مجازات شدید اعدام معتقد است: «مجازات و به‌طور مشخص مجازات اعدام همیشه یک واقعه‌ی عمیقاً سمبلیک است» (Garland, ۱۹۹۰, p. ۱۰). در جامعه‌ی آمریکا برای جرایم متعددی از جمله برخی از مصادیق قتل عمد مجازات اعدام وجود دارد، اما به رغم وقوع این جرایم که علی‌القاعده می‌بایست میزان اعدام‌ها را به‌شدت گسترش دهد؛ شمار اعدام‌هایی که عملاً قطعیت یافته و اجرا می‌شوند؛ بسیار محدودند.

از آن جا که جرم با اقرار ثابت گردیده؛ امکان توبه و اصلاح مجرم وجود خواهد داشت و بر اساس سیاست کیفری شارع، هر کجا کوچک‌ترین امکانی برای ندامت وجود داشته باشد؛ اولویت با پرهیز از اجرای مجازات است. با وجود این نباید از یاد برد که بزه‌کار تا پیش از این، تمامی فرصت‌های اصلاحی خود را از دست داده و نوعی حالت خطرناک را به نمایش گذارده است. به همین علت است که برای تاثیر سیاست ارعایی، تهدیدی جدی باید علیه او صورت گیرد. این تهدید را می‌توان در فرآیند تشریفات اجرای مجازات مشاهده نمود. تشریفات اجرای کیفر مجموعه رفتارهایی هستند که در نتیجه‌ی آن، بزه‌کار بخشی از میزان عظمت مجازات را درک می‌نماید. قرائت آشکار و علنی حکم محکومیت، آماده نمودن مجرم برای اجرای مجازات، شرم‌ساری ناشی از علنی بودن و حضور مردم در صحنه‌ی اجرای کیفر، ترس ناشی از قرار گرفتن در گودالی که در پایان به یک مرگ بسیار سخت می‌انجامد و در نهایت اجرای مجازات توسط خود مردم، فرآیندی نمادین است که بیش از پیش عظمت نمادین حدود را به نمایش می‌گذارد. هم‌چنین نباید از یاد برد که دستگاه عدالت کیفری در این فرآیند، پیام و هشدار جدی را به جامعه‌ای که از نزدیک رنج جان‌کاه بزه‌کار را مشاهده نموده و حتی خود نیز در تعذیب وی مشارکت نموده است؛ مخاברה می‌کند. هشدار جدی که آینده‌ی تجاوز به ارزش‌های بنیادین و مقدس اجتماع را به نمایش می‌گذارد.

هم‌چنین، بسیاری از فقهای امامیه بر این اعتقادند که ممنوعیت اعاده‌ی مجرم تنها مربوط به زمانی است که حداقل یک سنگ به وی اصابت نموده باشد (همان) و (شیخ طوسی، پیشین، ب/۵۰) و (خویی، ۱۴۲۸، ص ۲۶۶). این حکم نیز از آن روست که بزه‌کار، برندگی شمشیر مجازات را با تمام وجود احساس نماید.

نتیجه‌گیری

جرائم مستوجب حد به منزله‌ی تجاوز به بنیادی‌ترین ارزش‌های اجتماعی و انسانی تلقی می‌شوند. نظر به آن که در نظام کیفری اسلام شدت مجازات وابسته به میزان صدمه‌ای است که رفتار مجرمانه به اخلاق و انسجام اجتماعی وارد می‌آورد؛ این جرایم با سخت‌ترین

مجازات‌ها پاسخ داده می‌شوند. اهمیت اجرای حدود و در نتیجه حفظ این ارزش‌های بنیادین تا بدان جاست که در اسلام، سودمندی حاصل از اجرای حدود الهی حتی بیش از منافع چهل روز بارندگی دانسته شده است.

با وجود تجویز این واکنش شدید کیفری، در عمل موانع بسیاری اثبات حدود را مشکل نموده است. فراتر این که، حتی پس از اثبات نیز عوامل متعددی موجب سقوط مجازات می‌گردد. تعارض میان موارد پیش گفته بیش از همه این ابهام را موجب می‌شود که اراده‌ای جدی برای اجرای مجازات‌های حدی وجود نداشته و در حقیقت حدود را مبدل به یک سیاست کیفری ناکارآمد نموده است.

با وجود آن چه گذشت؛ کنکاش در ابعاد فلسفی و جامعه‌شناختی حدود این حقیقت را مبرهن می‌نماید که شارع با تشریح حدود از یک سیاست ارعابی نمادین بهره برده است. بدین ترتیب که با در نظر گرفتن مجازات‌های بسیار سخت برای جرایم مستوجب حد؛ هزینه‌ی ارتکاب این جرایم را افزایش داده است. در این صورت، بزه‌کار حساب‌گر ممکن است با مقایسه‌ی سود و زیان حاصل از جرم و درک سنگینی مجازات، از ارتکاب بزه صرف نظر نماید. در سیاست کیفری اسلام اهداف حدود الزاما با اجرای مجازات محقق نخواهد شد. هم‌چنین به علت هزینه‌های بسیار بهره‌گیری از این واکنش کیفری برای اجتماع؛ و نیز کاهش اثر بازدارندگی آن، تلاش بر آن است تا از اجرای مکرر این مجازات‌ها خودداری شود. بنابراین در این منطق کیفری، پیش از هر چیز بر جنبه‌ی نمادین و تهدیدگونه‌ی حدود تاکید شده است. در چنین شرایطی، مجازات‌های حدی را می‌توان به مثابه شمشیری برهنه تلقی نمود که محیای فرود آمدن بر بزه‌کاران است. هر چند این شمشیر به ندرت و بسیار سخت فرود می‌آید.

فهرست منابع

الف - فارسی

- انصاری، قدرت‌الله؛ انصاری، محمدجواد؛ بهشتی، ابراهیم؛ و طباطبایی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۵)، **تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا**، چاپ نخست، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- امینی، علیرضا؛ محسنی دهکلانی، محمد (بی تا)، **بازخوانی نظریه «اشتراط تعدد اقرار در اثبات زنا»**، مجله فقه و مبانی حقوق، سال سوم، شماره ۹.
- پرادل، ژان (۱۳۷۳)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه‌ی علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری موسسه‌ی نشر یلدا.
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰) (الف)، **از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین (ارزیابی اندیشه سزاگرایی)**، مجله آموزه‌های کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی).
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰) (ب)، **سزاگرایی در فلسفه کیفر**، مجله پژوهشنامه حقوقی (دانشگاه گیلان).
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، **دوگونه کیفر در مقابل دو دسته بزه (بازتعریف حدود و تعزیرات از دیدگاه فلسفه کیفری)**، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۹، شماره ۱ نخست.
- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۰)، **فلسفه‌ی قصاص از دیدگاه اسلام**، چاپ نخست، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- رامپوری، غیاث‌الدین (۱۳۶۳)، **غیاث اللغات**، چاپ نخست، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- زراعت، عباس (۱۳۸۶)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، چاپ دوم، انتشارات ققنوس.
- شیرینی، عباس (۱۳۷۲)، **سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران**، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۵)، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی و اسلام**، چاپ هفتم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۵)، **قواعد فقه (بخش جزایی)**، چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- قربان‌نیا، ناصر (بی تا)، **فلسفه مجازات**، مجله نقد و نظر، سال چهارم، شماره‌ی سوم و چهارم.
- قربان‌نیا، ناصر، **فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام**، مجله رواق اندیشه، شماره‌ی ۳.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، **حدود، تعزیرات و قصاص**، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی جانکی، فیروز؛ آقایی، سارا (۱۳۸۷)، **بررسی نظریه بازدارندگی مجازات**، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۲.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، **حقوق کیفری اسلام (ترجمه حدود و تعزیرات، قصاص و دیات از کتاب‌های شرایع الاسلام و مسالک الافهام)**، چاپ نخست، مرکز نشر دانشگاهی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **اسلام و مقتضیات زمان**، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، **فرهنگ لغات**، جلد نخست، چاپ نهم، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، **فلسفه حدود و تعزیرات در اسلام**، مجله مکتب اسلام، سال بیست و سوم، شماره‌ی نخست.

ب- عربی

- الجزیری، عبدالرحمن (بی تا)، **الفقه علی مذاهب الاربعه**، المجلد الخامس، انتشارات دارالفکر.
- **الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه** (بی تا)، مترجم السید محمد کلانتر، الجزء التاسع، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- الفتوری، محمد عطیه (۱۹۹۸)، **فقه العقوبه الحدیه فی التشريع الجنایی الاسلامی**، المجلد الاول، الطبعة الاولى، جامعه قاز یونس (بنغازی).
- حر عاملی (بی تا)، **وسائل الشیعه**، جلد ۱۸، انتشارات احیاء التراث العربی.
- خمینی (امام) (۱۴۲۵)، **تحریر الوسیله**، المجلد الثاني، الطبعة العاشره، موسسه النشر الاسلامی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۸)، **مبانی تکملة المنهاج (القضاء و الحدود)**، الجزء الحادی و الاربعون، الطبعة الثالث، موسسه احیاء آثار الامام خویی.
- شیرازی (بی تا)، **الفقه (کتاب الحدود و التعزیرات)**، انتشارات دارالقرآن الکریم.
- شیخ طوسی (بی تا) (الف)، **رسائل**، جلد ۱۸، دارالکتاب الاسلامیه.
- شیخ طوسی (بی تا) (ب)، **تهذیب الاحکام**، الجزء العاشر، الطبعة الثالثه، دارالکتاب الاسلامیه.
- شیخ صدوق (۱۳۶۸)، **من لا یحضره الفقیه**، جلد پنجم، چاپ نخست، نشر صدوق بهارستان.

- شیخ صدوق (۱۳۸۸)، **علل الشرایع**، ترجمه‌ی سیدعلی حسینی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات اندیشه مولانا.
- شهید اول (۱۳۸۶)، **اللمعه الدمشقیه**، ترجمه و تبیین: علی شیروانی، المجلد الثاني، چاپ سی‌وسوم، انتشارات دارالفکر.
- شهید ثانی (۱۴۱۶)، **مسالك الافهام**، الجزء الثاني، الطبع الثاني، موسسه معارف الاسلاميه.
- صدر، سیدمحمد (۱۴۱۷)، **ماوراء الفقه**، الجزء التاسع، الطبعه الاولى، دارالاضواء.
- عباده، حاتم امین محمد (۲۰۱۰)، **جرائم الحدود و احكامها الشرعيه**، الطبعه الولی، دارالفکر الجامعی.
- علامه مجلسی (۱۳۶۷)، **مراه العقول**، جلد ۲۳، چاپ نخست، دارالکتاب الاسلامیه.
- علامه حلّی (بی تا)، **تحریر الاحکام**، المجلد الثاني، موسسه طوس.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳)، **التشريع الجنایی فی الاسلام**، ترجمه‌ی اکبر غفوری، جلد نخست، چاپ نخست، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- مشکینی (۱۴۱۰)، **الفقه الماثور**، المجلد الثاني، الطبعه الاولى، دفتر نشر الهادی.
- مصطفوی، سیدمحمد کاظم (۱۴۱۷)، **القواعد**، موسسه النشر الاسلامی.
- مقدس اردبیلی، مولی احمد (۱۴۱۶)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهار**، الجزء الثالث عشر، الطبعه الاولى، موسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸)، **انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التعزیرات)**، المجلد الاول، الطبعه الاولى، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب (ع).
- نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۷۴)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد ۴۱، چاپ چهارم، دارالکتاب الاسلامیه.

ج - انگلیسی

- Breathnach, Seamus (۱۹۴۱), **Emile Durkheim on Crime and Punishment (An Exegesis)**.
- Durkheim, Emile (۱۹۸۴), **The Division of Labor in Society** , translated by W.D.
- Durkheim, Emile**(۱۹۷۷) , **Selected Writing**, translated and with introduction by Anthony Giddens.

-Garland, David (۱۹۹۰), **Frameworks of Inquiry in the Sociology of Punishment**, The British Journal of Sociology.

-Gouda, Moamen(۲۰۱۲), **Stealing More is Better? Marginal Deterrence in Islamic Criminal Law of Theft**, Philipps- University Marburg, preliminary draft.

-Lukes Steven and Scull Andrew (۱۹۸۳), **Durkheim and the Law**, Oxford Robertson.

-Peters, Rudolph(۲۰۰۵), **Crime and Punishment in Islamic Law**, Cambridge Press.

د- پایگاه‌های اطلاعاتی

- پایگاه اطلاعاتی آیه‌الله مکارم شیرازی: www.makarem.ir

- پایگاه اطلاعاتی ویکی پدیا: www.wikipedia.org